

رسائل  
۲۱

« مجموعهٔ غزوات رسول ﷺ مجراہ جواب رسائل ۳۲ »

— شمارہ — ۱۳۹۰ شمسی —

# مسائل

۱- فرق بین شبه حکمیة و موضوعیة چیست؟

در شبه حکمیة ، استباه در خود حکم شرعیست در اثر فقدان نفس یا اجمال نفس یا تعارض نفس . رفع شبهه به دست شارع است چه شبهه در نفس حکم کلی یا در موضوع حکم کلی باشد . (مثل حرمت شرب توتون)  
در شبهه موضوعیة : استباه در موضوع حکم است در اثر عوامل خارجی . مثلاً : غم دانیم گوشتی که از بازار خریدیم تذکیر شده یا منته است ( البته حکم کلی آن را می دانیم که منته حرام و مذکیر حلال است ) .

۲+ نحوه استدلال به حدیث رفع برابر برائت در شبهه حکمیة تحریمیة را بیان کنید؟

حدیث رفع : رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي ... مَا لَا يَعْلَمُونَ

باتوجه به این حدیث ، برابر آنچه نفس دانیم مؤاخذه ای نیست - پس اگر کسی در صورت فقدان نفس ، شرب توتون کرد و در واقع هم حرام بود ، عقاب ندارد . [ نظر شیخ انصاری : حدیث رفع بر برائت در شبهه موضوعیة دلالت دارد ، لذا از [ حدیث ما فارج است ، زیرا بحث ما درباره شبهه حکمیة تحریمیة است . ]

۳- نظر شیخ انصاری در شبهه حکمیة وجودیة چه اصلی را جاری می کنیم؟ با مثال .

برائت جاری می کنیم - مثلاً در « فُجُوبٌ دُعَا عِنْدَ رُؤْيَا الْعِلَالِ » اصطیاط واجب نیست در برائت جاری می کنیم . یعنی نیازی نیست با دیدن ماه ، دُعا کنیم → وجودی برگردن ما نیست .

۴+ حکم شبهه محصوره به نظر شیخ انصاری چیست؟ با مثال

موافقت قطعیه واجب و مخالفت قطعیه حرام است .

مثلاً : دو ظرف آب داریم ، می دانیم یکی از آنها نجس شده - اما نمی دانیم کدامیک . پس باید از هر دو بیرون ببریم

۵- در دوران بین متباینین به خاطر تعارض نفس و ظنیة شرعی چیست؟

تخصیر استمراری

۶- در دوران بین اقل و اکثر ، نظر شیخ با ذکر مثال چیست؟

اصطیاط جاری می کنیم . استقلالی : شکر دارم . اما نماز قضا باید بخوانم یا ۱۲ نماز .

مثال برای اقل و اکثر : ارتباطی : شکر دارم نماز با سوره باید بخوانم یا بی سوره .

۷ - ضابطه شهم غیر محصوره چیست؟ (به نظر شیخ)

یعنی اطراف آن ناصفاهاست  
شهم ای غیر محصوره است که: «هرگاه به قدری اطراف شهم زیاد باشد که احتمال عقاب عقلایی نباشد، در اینجاست شهم غیر محصوره است» مثلاً یک قصاب در ایران گوشت حرام می‌فروشد → اینجا شهم غیر محصوره است.

۸ حکم و ملاقی أحد المشتعین «به نظر شیخ چیست؟»

شیخ این مسأله را حکم وضعی می‌داند، یعنی «رأبیت عن النخب» - منظور اجتناب از عین نجاست است نه ملاقی با آن در این صورت اجتناب از مستحب به نجس واجب نیست.  
زیرا علم اجمالی نسبت به احکام وضعی منجز نیست. [یعنی تکلیف آور نیست].

۹ - ورود و حکومت را تقریب کنید؟

حکومت: ① هرگاه در مقابل همدگر قرار گیرند که یکی از آن دو دلیل حاکم بر موضوع دلیل دیگر باشد، در محکوم تقرب کرده که یا دایره موضوع دلیل محکوم را توسعه می‌دهد یا تضییق می‌کند.

② دلیل حاکم بدون محکوم لغو است - لذا دلیل محکوم را نابود نمی‌سازد. (دلیل حاکم مفسر دلیل محکوم است)

ورود: ① هرگاه در مقابل همدگر باشند، یکی از آن دو وارد بر موضوع دیگر باشند.

② دلیل وارد بدون دلیل مورود لغو نیست - یعنی دلیل مورود با آمدن دلیل وارد نابود نمی‌شود.

حکومت: «الطوان بالنیة، الصلواة» که مفسر و حاکم «أقمیوا القلادة» است. → توسعه داده مثال برای ورود: «لا شک لکثیر الشک»

۱۰ وجه دلالت در آیه سرفیه «لا یكلف الله نفساً إلا ما آتاه» بر برائت در شهم حکم را بیان کند؟  
با توجه به «لا یكلف» های موصوله به معنای حکم شرعی است. در اینصورت معنای «آتاه» ابلاغ است.

معنای آیه می‌شود: خداوند تکلیف نمی‌کند کسی را مگر به آن حکمی که به او ابلاغ کرده است.

بنابراین: حکمی که به بندگان نرسیده، تکلیفی هم ندارد → این همان مفاد اصل برائت است.

[نظر شیخ اضاقری: این آیه دلالت بر برائت ندارد - زیرا با توجه به آیه قبل که در مورد نفقه و مال است، در اینجا معنای «آتاه» بخشیدن و اعطاء است نه ابلاغ.]

معنای «آتاه» بخشیدن و اعطاء است نه ابلاغ.

\* نکته: در اقل و اکثر استعلاقی و صوری نظریه‌ها و مصنف نسبت به انجام اکثر برائت است.

۱۱ با توجه به عبارت بنویسید در تعارض دو دلیل عقلی « وجوب دفع ضرر محتمل » و « منع عقاب بلا بیان »  
کدامیک مقدم است؟ چرا؟ « آن حکم عقلی بوجوب دفع ضرر محتمل بیان عقلی فلاقیح بعد از الموافقة، مدفوع... »  
« منع عقاب بلا بیان » وارد است بر « وجوب دفع ضرر محتمل ». زیرا

اگر ما حکم عقلی بوجوب دفع ضرر محتمل را بپذیریم باز هم این دلیل عقلی به دردمان نمی خورد. چون یا مُراد از ضرر محتمل  
① ضرر اخروی است: اگر در طایفه عقاب اخروی باشد باید شارع بیان کند، حال که بیان نکرده پس عقاب اخروی نیست.  
② ضرر دنیوی است: که عقل در بعضی موارد واجب نمی داند دفع ضرر را، مثل: موارد تجارت، یا دربارهٔ همت از ناموس و دین  
گاه شارع اجازه به ضرر محتمل داده است. حکم ارشادی است نه مولوی ← شبهه تحریم و شبهه موضوعیه مه شود ← که  
هیچ کلام از اصولین حتی احتیاط در آن را واجب ندانسته اند.

۱۲ حکم ارشادی و مولوی را تعریف کنید و بنویسید، او امر احتیاط ارشادی اند یا مولوی؟

مولوی: ① مستقلاً ثواب و عقاب دارد، ثواب مال واقع است، نه موافقت. ② تقدیمی است ③ واجب الإطاعة  
تعریف امر ارشادی: ① مستقلاً ثواب و عقاب ندارد، ② تقدیم نیست که حکمت حکم بیان نشود، بلکه ارشاد به حکم عقل داده می شود  
مثل امر « طیب به مریض ». ③ واجب الإطاعة نیستند.

\* او امر احتیاط، شرعاً و عقلاً، رجحان و استحباب ارشادی دارد، یعنی نفس احتیاط ثواب ندارد.

۱۳ قاعدهٔ سماع در ادلهٔ سنن چیست و مفاد اخبار « من بلغ » به عقیدهٔ مصنف کدام است؟

قاعده می گوید: اگر کسی عملی را برای رسیدن به توایی که در روایتی ذکر کرده اند انجام دهد و در واقع آن روایت فعلی هم باشد  
- طبق همین قاعدهٔ سماع - مستحق ثواب است.

مصنف می گوید: شکی نیست که ثواب دائر مدار اطاعت است و اطاعت بردو قسم است: حقیقیه - حکمیه

در اطاعت حقیقیه اگر عمل بخاطر امر مستم معلوم انجام گیرد ثواب دارد.

در اطاعت حکمیه اگر به خاطر امر، عمل انجام شود ثواب دارد - یعنی ثواب بر اطاعت حکمیه مترتب نمی شود بلکه

اخبار من بلغ دلالت می کند بر آنکه، مُجَرِّد « من بلغ » ثواب دارد.

۱۴ شبههٔ غیر محصوره را تعریف کنید و بنویسید به چه دلیل در شبهات غیر محصوره اجتناب لازم نیست؟

شبههٔ غیر محصوره یعنی اطراف آن نامشاهی است و از شماره بیرون است؛ مثلاً، یکی از هزاران مایع خارج کبریات

دلیل عدم اجتناب : ۱) اجماع فقهاء ، ۲) سیره مسلمانان ، ۳) لزوم عسر و حرج ، ۴) اخبار حلیت اشیاء مشکوک الحرمه  
۵) اصالة البرائة  
«كل شيء ذكك حلال حتى تعلم...»

۱۵ اول و اکثر استقلالی و ارتباطی را به همراه مثال تعریف کنید؟

استقلالی : اول استقلالاً و اکثر هم استقلالاً واجب است. یعنی اگر من اول را انجام دهم و

درواقع هم اکثر واجب بوده باشد بالأخره با انجام اول - لغزبان اول فتمام کبرن می شود

مثلاً : تردید دارم ده روز نمازها بر من واجب یا ۱۵ روز .  
ارتباطی یعنی اول استقلال ندارد بلکه مرتبط به اکثر است .  
وظیفه مادر انجام اکثر در ارتباطی - اصیاط است .  
استقلالی - برائت است

۱۶ یعنی اگر اول را انجام دهم و در واقع اکثر واجب باشد بر من الذمه نمی نوسم . مثلاً : تردید دارم نماز با سوره واجب است یا نه؟

شرایط عمل به اصل برائت چیست؟

۱) بیان نرسیده باشد « قع عقاب بلا بیان » ۲) مخالفت قطعیه نباشد .

۱۷ ضرر شخصی و نوعی را تعریف کنید و بنویسید ضرر منفی در حدیث « لا ضرر » از کدام قسم ضرر است؟

ضرر شخصی متوجه شخص و فرد است - اما ضرر نوعی متوجه نوع انسانها است .

مصنف می فرماید : « در حدیث لا ضرر - ضرر شخصی منفی شده است » .

سایر از علماء می گویند ماعده لا ضرر کن حکمی را که برای نوع مردم ضرر داشته باشد بر من دارد - و نه ضرر شخصی .

۱۸ نظر اصولیین در مورد سببه حکمه کرمیه ناشی از فقدان نفس بلایه است و نظر اخباریین لقیاط است .

نحوه تقدم دليل اماره بر اصل شرعی به نظر شیخ چیست؟ حکومت .

۱۹ حکم عقل به وجوب دفع ضرر متعین ناظر به چه نوع ضرری است؟ ضرر دنیوی

ضرر اضروی مربوط به ساری است اما ضرر دنیوی عقل دخالت دارد .

یعنی مثلاً : گاهی با توجه به ضرر ساری امری را خواسته که انجام دهم « حفظ وطن با جهاد » و « حفظ ناموس »

سپس وجوب دفع ضرر متصل ناظر به ضرر دنیوی است .

جواب شیخ از استدلال به حدیث « ما حجب الله علمه عن العباد » را بنویسید؟  
 استدلال به حدیث : مثلاً چون حکم شرعی تو توان به ما نرسیده پس تشریح آن مضموع نیست . معاد اهل برائت  
 مصنف میگوید : این حدیث بر فواهد نگویید که « آن احکام را خداوند طلب نمی کند که اصلاً بیان نکرده باشد » در صورتی که  
 بحث برائت در فرائض است که حکم بیان شده اما به ما نرسیده نرسیده باشد . لذا برائتی برائت نمی شود .

شرایط تنجیز علم اجمالی چیست ؟  
 ① در شبهه محصوره باشد . ② همه اطراف مقدر مکلف باشد  
 ③ همه افراد مورد ابتلا باشد . ④ هیچ طرفی اختطاری نباشد ⑤ موجب تکلیف جدیدی نباشد

دلیل عدم جریان « اصله الحیل » در شبهه محصوره تحریمیه را بنویسید ؟  
 به خاطر آنکه شبهه محصوره است و ما علم اجمالی داریم - شیخ میفرماید با علم اجمالی موافقت و قطعیه واجب و مخالفت  
 قطعیه طرم است - لذا اصله الحلیت جاری نمی کنیم . به نظر شیخ علم اجمالی در انجام عمل مؤثر است .

در صورت شک بین شبهه محصوره و غیر محصوره وظیفه چیست ؟ چرا ؟  
 اقوی اصله الاصلیاط است ، یعنی شبهه را محصوره بدانیم .  
 زیرا مقتضی (دور اصیاط) موجود و مانع (غیره محصوره بودن) مشکوک است .

اصله الإیجاب وقتی جاری می شود که اهل موضوعی ، حاکم بر آن نباشد - کیفیت حکومت را در قالب مثال توضیح  
 دهید ؟ زمانی اصل ایجاب یا همان برائت جاری می شود که اهل سبب و حاکم (موضوعی) نسبت به آن نباشد  
 ولی در مثال : زنی که شک داریم همسر است یا نه ؟ نمی شود اصله الإیجاب جاری کرد ، زیرا حاکم موجود است  
 حاکم استصحاب عدم علقه زوجیت است - عدم علقه زوجیت مع یعنی حرمت .

دو مورد از مواردی که ارتکاب بعضی اطراف علم اجمالی در شبهه محصوره جاری است را با مثال بنویسید ؟  
 ① در جاهی که بعضی اطراف ، مقدر مکلف نباشد - نسبت به آن طرفی که مقدر است شک بدوی در تکلیف می شود که  
 اصله البرائت جاری می کنیم . مثلاً : من ۳۰ لباس دارم که یکبار آنجا جنس است و یکی از لباسها در کشور دیگری است .  
 ② در جاهی که بعضی اطراف ، مورد ابتلا مکلف نباشد . اصله الإیجاب جاری می کنیم .

مثلاً : یک لباس مال من است ، یک لباس مال فرد دیگری که - بجاست یکی از این دو علم اجمالی داریم در اینجا  
 اعتبار از لباس فرد دیگری معاست و نسبت به لباس خودم شک بدوی بین من آید .

علم اجالی = شبهه و مفروضه = احتیاط

حکم ارتکاب تدریجی مستقیم در شبهه محصوره با ذکر مثال چیست؟  
مثلاً: تا خبری که مرادند اجمالاً در این هفته متلاب عمل زنجیری و معامله زنجیری می شود.  
مصنف می فرماید: باید احتیاط کند، چون علم اجالی مؤثر است - و شبهه محصوره می باشد.

آیا امتثال علم اجالی (احتیاط) مشروط به عدم ممکن از امتثال تفصیلی است یا خیر؟ با مثال؟  
بر اساس نظر اکثر علماء، شخص باید تا آنجا که نتواند اطراف علم اجالی را به تفصیلی تبدیل و تحصیل نماید در هر مقدار که موفق نبود احتیاط کند.

مثلاً در علم اجالی نسبت به طهارت و نجاست در لباس موجود، اگر توانست علم اجالی را به تفصیلی تبدیل نماید (یعنی برود تحقیق کند تا یقین پیدا کند به طرف نجس) انجام دهد - وگرنه احتیاط کند.  
مصنف در این زمینه، شرطی را برای امتثال علم اجالی مائل نیست فقط می فرماید باید کاری کنیم که حکم الجهم صورت گیرد (احتیاط)

رابطه دلیل ظنی با اصل عقلی ورود و با اصل شرعی حکومت است.  
در دوران بین شرطی و مانعیت بربانیت جاری می شود، زیرا هر چیزی که مانع است عدم آن شرط است.  
نظر مصنف در شبهه و حوسبه اجمالی در متابین... بربانیت... است.  
نظر مصنف در دوران بین مخدومین - شک در تکلیف، در صورت تعدد واقعیه تجزیه اشتمالی است در صورتی که واقعیه واحد باشد توقف است.

حکم ظاهری و واقعی چه فرقی با هم دارند؟ حکم ظاهری، دلیل معاهی حکم واقعی، دلیل احتیاطی  
① احکام واقعی از طریق ادله قطعی (خبر صواتر، نصوص) و از طریق ادله ظنی (خبر ثقه، ظواهر بیان) دست می آید اما احکام ظاهری در مورد شک قرار گرفته است.  
② احکام واقعی ثابت و پایدارند - لذا به دست شارع است نه مکلف - در صورتیکه احکام ظاهری، احکام ثابت نیستند و بعد از شک مکلف ایجاد می شود.  
③ حکم واقعی مشترک است بین عالم و جاهل - اما حکم ظاهری جعل شده بر مرفوعاً که مکلف علم نداشته باشد.

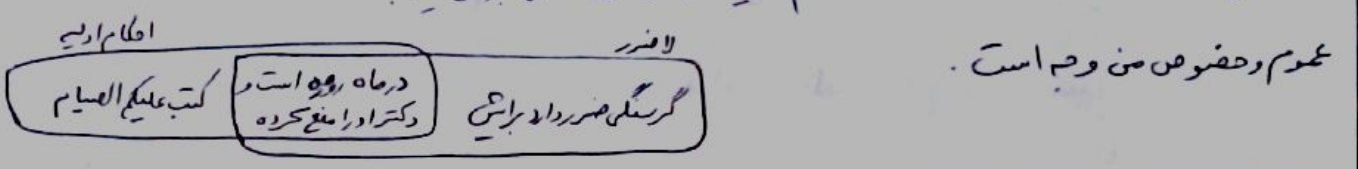
چرا بین حکم واقعی و ظاهری تعارض نیست؟ زیرا اول حکم واقعی کاربرد دارد - و اگر حکم واقعی دسترس نداشته باشیم آن گاه نوبت به حکم ظاهری می رسد (این دو در طول هم هستند) لذا تعارض پیش نمی آید.

اصحاب در شبهه حکمیه تحریمیه برای اثبات احتیاط به علم اجمالی تمسک کردند، ضمن توضیح کلام اصحاب پاسخ  
شیخ را مختصراً بنویسید؟

آنها میگویند آیا معقول است کسی که در شکی احتیاط کرده - جمع فرود و برائی که اهل شامع هست به حکمت فرود؟  
مصنف: ما متون به حرمت احتیاط نمی دهیم و آنها را همین نمی دانیم - بلکه معتقدیم واجب دانستن احتیاط، خلاف  
احتیاط است، چون احتمال حرمت متون به احتیاط در اینجا وجود دارد و علی الاقوی ادله برائتی تمام است در اینجا.

اگر اضطرار نسبت به ارتکاب بعضی اظرف علم اجمالی، بعد از علم باشد چه حکم دارد؟ چرا؟  
اجتناب از بقیه اظرف واجب است، زیرا از تنحرف تکلیف به وسیله علم اجمالی حوازی ارتکاب بعضی اظرف  
در حال اضطرار به دلالت التزام کتف می شود - که شارع اظرف باقی مانده را بدل از حرام واقعی قرار داده.

رابطه بین قاعده «لا ضرر» و «ادله احکام اولیه» را در ضمن مثال بنویسید؟



جواب شیخ از استدلال آیات ناهیه برای وجوب احتیاط در شبهه حکمیه تحریمیه چیست؟  
استدلال کردن: «اِقْتِطْ» در «افضوک دینک فاحفظ لندک بما شئت» به معنای وجوب احتیاط (شرعی ظاهری) است.  
شیخ می فرماید: اِحْتِطْ به شاهد اعلی مرتبه احتیاط را بگو یعنی: «در دین هر اندازه اهل احتیاط باشی لازم است  
نه آنکه «احتیاط کن در همه موارد که احتیاط واجب است». پس در مقام جمع مراتب نیست.

یک دلیل که برای وجوب احتیاط در شبهه تحریمیه فقدان نص استدلال شده را بیان کنید؟  
اصل اولی در افعال احتیاطیه، منع و خطر است مگر آنکه دلیل در شرع بر حلیت آن آمده باشد. حال در شبهه  
تحریمیه فقدان نص دلیل به مفروضه نداریم [ادله برائتی هاجم با اصحاب احتیاط تعارض دارد لذا ساقط می شوند].

حکم علامی احدالمشبهین را به نظر شیخ اخباری با دلیل بنویسید؟

حکم عدم لزوم اجتناب است زیرا ① آیه «الزحر ما اهرج» دلالت بر اجتناب از ملاقه را ندارد.  
② روایت جابر صغیف التسنده است.  
③ دلالتش اشکال دارد. ④ مورد روایت حرمت اجتناب از مجلس عینی است و لاقی نیست.



آیا حدیث رفع آنا عقلیه و عادی را برمی دارد؟ چرا؟

حدیث رفع آنا عقلیه و عادی را بر نمی دارد - زیرا آثار عادی و عقلی اسباب توسط شارع وضع شده است. مثلاً، ترک نماز هنگام ازاله نجاست از مسجد.

وجه تقدم ادله بر اصول علمیه به نظر شیخ از باب حکومت است.

« نحوه استدلال آی « وما کنا معذبین حتی نبعث رسولا » را بر برائت در شیخ حکم نوشته و نظر شیخ چیست؟

استدلال: آیا می گوید ما اگر رسولی نفرستیم عذاب نمی کنیم پس در احکامی که به ما نرسیده سزا هستیم.  
[آیه مربوط به گذشته است، بابت عذاب - آیه در مورد رسولی که در گذشته نرسیده است.]  
شیخ: این آیه دلالت بر برائت ندارد فقط در مقام بیان این است که: « عذاب - دینوی بعد از اتمام حجت است ».

اصل موضوعی و اصل حکمی چیست؟

اصل موضوعی یعنی اصولی که در خود موضوع حکم جاری می شود - مثلاً علقه زوجهت موضوع است.

اصل حکمی یعنی اصولی که در خود حکم شرعی جاری می شود. مثلاً: حلیت جماع حکم است.

\* اصل موضوعی بر اصل حکمی مقدم است.

\* اصل موضوعی شک سببی است و اصل حکمی شک مستببی می باشد.

کیفیت دلالت اخبار تکلیف بر احتیاط در سببه تحریم چیست؟ و نظر شیخ چیست؟

امام (ع) می فرمایند: بجز مشهور عمل کرده و خبری از ترک کننده - چون در خبر مشهور « لاریت فیه » است.

لذا خبر شاذ در آن « لاریت » است پس هر چه در آن شک و ریب باشد باید ترک و احتیاط نمود.

در اخبار تکلیف ما سه امر داریم: ۱- امور که هدف آن مستضعف است یعنی هدف تکاملی دارد.

۲- امور که ضلالت و گمراهی آن امور مستضعف است.

۳- امور که شک در این دو داریم.

لذا احتیاط می کنیم

جواب شیخ: مقصود از ترک خبر شاذ و امر بجز مشهور، در صورت مولوی نیست بلکه ارشاد است، چون احتیاط

۲ قسم دارد: الف: احتیاط در عمل - احتیاط در طریق حکم

← در اولی احتیاط مستحب است و در طریق حکم احتیاط واجب است.

شرایط ناضل تونه (ب) در اجراء اصل برائت چیست؟ (بجز حوا - کامله - سوال الی ...)

الف = اعراض برائت باعث ضرر مسلمان نشود. مثلاً، اگر کسی در بقیعتی را باز کرد و پرنده‌اش خارج شد بعد از ضمانت ضرر بر مؤمن لازم آمد - باید برائت جاری کنیم.

ب = اجلاس اصل در حکم یا موضوعی - حکم یا موضوع دیگری را ثابت نمی‌کند. مثلاً: عدم برائت دین، موجب استطاعت نمی‌شود تا آنکه صحیح واجب شود.

جواب نظر بعضی، در حدیث رفع الایمان «ما لا یؤمن» حکمت است مؤافقه در تقدیر گرفته شود؟ مؤید ذکر کنید؟  
مؤافقه به فعل است، نه به آثار فعل. لذا روایت مربوط به افعال و موضوعی می‌باشد. چرا که مراد از «ما»ی موصول، افعال مکلف است. مؤید در اینجا تبار عرفی است.

حکم ترک سهوی خرد و زیاد سهوی خرد چیست؟ (نظر مصنف)  
زیاد سهوی مبطل است - ترک سهوی هم مبطل است.

سداً نظیر عمل به اصل برائت در شیئات حکمی و موضوعی چیست؟ (نظر شیخ در) در شیء  
حکم اول تحقق لازم  
موضوع اول از نفس بر تواند صادر برائت  
در شیء حکمی مجتهد باید فحص تام انجام دهد، همچنین خاطر سهل او معذورتی نمی‌آورد.  
اما در شیء موضوعی سهل شخص عذر آرد است. لذا قبل از فحص می‌تواند امانت برائت جاری کند.

اگر امر بین و صوب و حرمت از جهت تقاضای ادله دائر شد، محرار تخفیف استمرازی است. (هم‌اکنون هم مشهور)  
تسامع همان من سبر و اجتهام است: (کسی که موهای ریش را سه نیت ثواب به خاطر داشته که سه آورده شده  
شانه می‌کند - هر چند در واقع این روایت از امامی صادر نشده باشد - اما طبق این قاعده تسامع به او ثواب را می‌دهند)

جریان امانت الایمان در شیء حکمی مشروط به چیست؟  
امانته الایمان بدون فحص و تحقیق در شیء موضوعی فقط جاری است. یعنی در شیء حکمی امانت الایمان مشروط به فحص و تحقیق و جستجو است. [بعد از فحص، می‌شود امانت الایمان یا برائت جاری کرد.]

به حکم ظاهر، دلیل قیاحتی، و به حکم واقعی، دلیل اجتهاد می‌گویند.

در دوران امر من شرطیة یا مانعیة نظر شیخ چیست؟

احتیاط و حرمت مخالفت قطعیه بودیم: اصالة الاحتیاط  
برائت و عوار مخالفت التامیه بودیم: اصالة البرائت.

\* در دوران من شرطیة و حرمتیة نظر مفسف برائت است، چرا؟ چون اصل کلی موضوعی برابر نفس حرمتی و شرطیة آن  
وجود ندارد

\* در دوران من محذورین (علم اجمالی به خوب یکی و حرمت دیگری) وظیفه ابدال التخییر است.  
چون یکی طرف قطعاً علم است و اگر ما احتیاط کنیم لازم می آید حرام را مرتکب یا واجب را ترک کنیم.

فرق بین مانع و قاطع را بنویسید؟

① مانع چیزه است که عدش معتبر است. مثلاً: حدث مانع نماز است.

قاطع چیزه است که هیأت ارضالیة فعل را به هم می زند و قطع می کند. مثلاً: فعل کسر قاطع نماز است.

② فرق دیگران: وجود مانع من نفس مبغوضت دارد، اما قاطع منغوض نیست، چون محل است مبغوض است

مفسف: شکر در مانعیة به شک در شرطیة بر می گردد، پس برائت جاری می شود.  
که شک در قاطعیة، استصحاب جاری است.

دلالت اقتضای چیست؟

یعنی گاه در جایی (متن و یا جمله ای) اقتضای بر این است که کلمه ای در تقدیر بگیریم، که بدون آن معالفراست.  
مثلاً: وَأَسْأَلُ الْقُرْبَىٰ وَأَسْأَلُ أَهْلَ الْقُرْبَىٰ.

نظر شیخ در رابطه با روایت «کل شیء فیہ حلال و حرام، فهو لک الحلال حتی یعلم انه حرام»؟  
این روایت اختصاص به شبهه موضوعیة دارد. (چون در موضوعیة فحص نیاز نیست).

→ به نظر شیخ روایت «قیف عند الشبه» دلالت بر وجوب احتیاط ندارد، چرا؟  
چون از او امر ارشاد است، همچون او امر اهل بیت.

شرایط چهارگانه فاضل تونی (ره) چیست؟ ① وجوب فحص

- ② نفی سحتی در همه جهات
  - ③ اجتناب آن موجب ضرر به مسلمان نباشد
  - ④ اجتناب آن در غیر اجزاء عبادات باشد
- [شرایط فاضل تونی (ره) در اجزاء اصل برائت:]

آیا به نظر شیخ (ره) روایت «ما حجت الله عليه عن القباد...» دلالت بر برائت می کند یا نه؟

مُرَادِ حَدِيثِ آن احکام است که خداوند اصلاً برای بندگان بیان نکرده است و این امر از حکمت ما [برائت] خارج است  
حکمت ما در احکام است که شارع آن احکام را بیان کرده و لکن به ما نرسیده.

استدلال اخباری ها به دلیل عقل به هر دو وجه آن در باره سبهم حکمه تحریمه و اشکال بر وجه اول آن

اینو بسید؟  
① اشغال یقینی به محرمات واقع در اسلام و مستلزم برائت یقینی است  
② اصل اولی در افعال اختیاریه منع است مگر آنکه در شرح دلیل بر حلت آید

اشکال بر دلیل اول از مصنف (ره): علم اجمالی به وجود محرمات واقع در اسلام با رصوع به ادله شرعی منحل می شود  
لذا نمی توان احتیاط را در مشتهقات اثبات کرد.

در شبهه موضوعیه تحریمه نظر شیخ برائت است و در شبهه موضوعیه و طوبیه احتیاط است.

\* تذکره «برها سخنان» اخبار برائت و آیات و روایات رصوع شود.

به نظر شیخ (ره) ادله عنادین ثانویه بر ادله عنادین اولیه حکومت دارد.

حالت سابقه دارد [استصحاب] / حالت سابقه ندارد [تخصیص]  
اصل عملیه = شک / اصل عملیه = شک  
دلیل عقلی و نقلی داریم [احتیاط] / دلیل عقلی و نقلی نداریم [برائت]

فروق بین اهل و اماره چیست؟

- ① اصل کلام به واقع ندارد چون موضوعش شک است. اما اماره کاشف از واقع است و موضوعش علم است.
- ② دلیل اماره مقدم است بر دلیل اصل.

دلیل شیخ بر تقدم اماره بر اصل چیست؟ (اماره همان دلیل است) (اماره یقین و علم است و اصل شک علیه می خورد)

اگر اماره از / دلیل عقلی بر اصل بود [وارد است] / دلیل ظنی بر اصل بود / اصل عقلی است [وارد است] / اصل شرعی است [حاکم است]

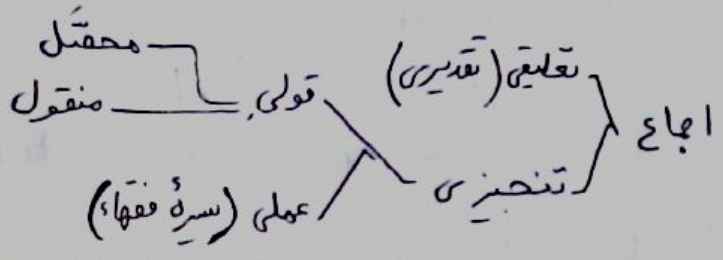
فرق بین قاعده « قبح عقاب بلا بیان » با « دفع ضرر محتمل » چیست؟

- ① دفع ضرر محتمل، یک قاعده کلمتی بقصدی است [چه حرمت باشد چه نباشد] - ولی قبح عقاب بلا بیان نظریه واقع دارد.
- ② دفع ضرر محتمل، در شکت مکلف جاری می شود - ولی قاعده قبح عقاب بلا بیان در شبهه دوم جاری است.

قاعده استعجال در کجاها جاری می شود؟

الف، علم تفصیلی باشد: تفصیلاً بدانیم این جمیع، غیر است.  
 ب، علم اجمال باشد: شبهه محصوره در درجا

انواع اجماع را دست بندی کنید؟



انواع اجمال را بنویسید؟

در حکم شرعی است. مثل « لا تفعل » که نمی دانیم کراهت دلرد یا حرمت دارد؟  
 از باب صیغه - مُراد متکلم. مثلاً « غمزه » که نمی دانیم مراد متکلم مسکرات یا مطلق خبر؟  
 موضوعی نه. مثلاً « عتاء » که نمی دانیم که معنای عتاء چیست؟

انقسام علم اجمالی؟

نوع تکلیف (هان حرمت و وجوب)  
 علم اجمالی به حکم جنس تکلیف (هان مطلق التزام - که در حرمت و وجوب است)

مراد شیخ از « جهالة » در حدیث [ انما امرء ارتکب اماً بجهالة فلا شیء علیہ ]

مراد از جهل، جهل مرکب و عقولت است - زیرا در این موارد است که جهالت سبب ارتکاب فعل و عمل است.

دلایل بر وجوب فحص قبل از برائت را بنویسید؟

- ۱- اجماع قطعی داریم
- ۲- آیه « واسئلوا اهل الذکر... » دلالت بر وجوب تحصیل علم دارد
- ۳- دلیل عقلی می گوید
- ۴- داشتن علم اجمالی به واجبات و محرمات

آیا ضرر نوعی ملاک است یا شخص؟ ضرر نوعی ملاک است هر چند ظاهر روایات نظریه ضرر شخصی دارد.

و من انفق اتقوا



باسمہ تعالیٰ  
**امتحانات پایان سال تحصیلی ۹۰ - ۸۹**  
**حوزه علمیه خراسان**

تاریخ امتحان: ۹۰/۴/۷	زمان: ۹۰ دقیقه
ساعت: ۱۸ - ۱۹/۳۰	
موضوع: رسائل ۲	
نتیجه	عدد
رسیدگی محدد	عدد
ه حروف	ه حروف

جوابهای چهارگزینه‌ای و تشریحی فقط در پاسخنامه

**سوالات چهار گزینه‌ای**

(بارم ۵/۰ نمره)

- ۱- نظر اصولیین و اخباریین در مورد شبهه حکمیة تحریمیة فقدان نص کدام است؟  
 الف) احتیاط - احتیاط  ب) برائت - احتیاط  ج) برائت - برائت  د) احتیاط - برائت
- ۲- نحوه تقدیم دلیل اماره بر اصول عملیه شرعیة کدام گزینه است؟  
 الف) ورود  ب) تخصیص  ج) حکومت  د) تخصّص
- ۳- کسی که نمی داند نماز فائتہ از او سه نماز است یا ۴ تا، مصداق کدام گزینه است؟  
 الف) دوران بین وجوب و غیره من جهة اشتباه فی الموضوع  ب) دوران بین وجوب و حرمت   
 ج) دوران بین وجوب و غیره لفقدان النص  د) دوران بین حرمة و غیرها لفقدان النص
- ۴- مرفوع در حدیث رفع به نظر شیخ (ره) کدام گزینه است؟  
 الف) آثار عقلیه  ب) آثار عقلیه و عادیة و شرعیة  ج) آثار شرعیة و عقلیه  د) آثار شرعیة
- ۵- اذا احتل کون شیء واجباً لکونه جزءاً او شرطاً لواجب آخر مجرای کدام اصل است؟  
 الف) برائت  ب) احتیاط  ج) استصحاب  د) تخییر
- ۶- بنظر شیخ (ره) در دوران بین محذورین از جهت اجمال نص، کدام اصل جاری است؟  
 الف) احتیاط  ب) تخییر  ج) برائت  د) توقف
- ۷- در شبهه محصوره تدریجیة، به نظر مشهور کدام گزینه صحیح است؟  
 الف) موافقت قطعیه جایز است  ب) موافقت احتمالی کافی است  +  
 ج) مخالفت قطعیه حرام و احتیاط واجب است  د) موافقت قطعیه واجب نیست
- ۸- در دوران امر واجب بین اقل و اکثر عند الشک فی الجزء الخارجی، کدام اصل به نظر مشهور جاری است؟  
 الف) احتیاط  + ب) تخییر  ج) اصل عدم وجوب اقل  د) اصل برائت

**سوالات عبارتی**

(بارم ۲ نمره)

- ۱- « و دعوی ان حکم العقل بوجوب دفع الضرر المحتمل بیان عقلی فلا یقبح بعده المأخذة، مدفوعة بأن الحكم المذكور علی تقدیر ثبوتہ لایکون بیاناً للتکلیف المجهول المعاقب علیه. » الف: عبارت را توضیح دهید.  
 ب: نسبت بین فح عقاب بلا بیان با این حکم عقلی چه می باشد؟ (کدام حاکم یا وارد بر دیگری است؟)
- ۲- « ادلة القول بالاحتیاط، فمن الكتاب طائفتان: احدهما ما دل علی النهی عن القول بغير علم فان الحكم بترخیص الشارع لمحتمل الحرمة قول بغير علم و افتراء حیث أنه لم یؤذن فیہ. » الف: عبارت را توضیح دهید. ب: خلاصه جواب شیخ از این دلیل را بنویسید.
- ۳- « الخامس ان اصالة الاباحة فی شبهة الحكم انما هو مع عدم اصل موضوعی حاکم علیها فلو شک فی حل اکل حیران مع العلم بقبوله التذکبة جرى اصالة الحل و ان شک فیہ من جهة الشک فی قبوله للتذکبة فالحکم الحرمة لأصالة عدم التذکبة. »  
 الف: عبارت را توضیح دهید. ب) در صورت دوم چرا اصالة الحل جاری نمی شود؟
- ۴- « فان قلت: اصالة الحل فی کلا المشتهیین جاریة فی نفسها و معتبرة لولا المعارض و غاية ما یلزم فی المقام تعارض الأصلین: فیتخیر فی العمل فی احد المشتهیین و لا وجه ل طرح کلیهما. » الف: عبارت را توضیح دهید. ب) بنظر شیخ (ره) در این مورد اصل جاری می شود یا نه؟ چرا؟

**سوالات تشریحی (فقط به چهار سؤال پاسخ دهید)**

(بارم ۲ نمره)

- ۱- دو فرق از فرق های موجود بین شبهه حکمیة و موضوعیة را بنویسید؟
- ۲- مختار اصولیین در شبهه حکمیة وجوبیة (فقدان نص) را با ذکر مثال بنویسید.
- ۳- به نظر شیخ (ره) ضابط تشخیص شبهه محصوره و غیرمحصوره چیست؟
- ۴- به نظر مصنف آیا ارتکاب تمام اطراف شبهه غیرمحصوره جایز است؟ چرا؟
- ۵- دو شرط از شرائط تنجز علم اجمالی را بنویسید.

۱. محتوایی که ملاحظه می فرمائید حاصل تلاش شبانه روزی دو نفر از طلاب (در طی سالها گذشته) بوده که شاید به خرات بتوان گفت کاملترین نسخه سؤال و جوابهای درسی می باشد (در حال حاضر).

۲. قطعا توصیه نمی شود که فقط به این نسخه تکیه شود و توجه به متن کتاب درسی هم لازم است، هر چند نبره او آری که همراهِ به سؤالات و جوابهای این جزوه، تسلط داشته، در امتحانات نمره قبولی کسب نموده اند.

۳. این فایل را بکار برده و هرگونه کپی برداری از آن مجاز و مورد رضایت است.

۴. هرگونه استفاده مالی از این محتوی شرعا حرام می باشد (به هیچ وجه مورد رضایت نیست) مگر آنکه تمام سود حاصله صرف خرید هدایای مذهبی و دینی [یا در بکریه انقلابی] باشد و تقدیم به مخاطبین در محافل گردد.

**چند توصیه و درود طلبه ای:**

✓ سعی کنیم کاری که انجام می دهیم دارای فایده باشد لذا اگر مشغول به کاری هستیم که بین شرع و عقلا، خودی ندارد مثل مرد آن را رها نماییم. **موضوع ۶**

✓ سعی کنیم (سعی) آنچه می گوئیم را خود عمل نماییم. **صفحه ۲**

✓ برای تفسیر خلاصه قرآن و سیره عملی اهل بیت (علیهم السلام) در اعمال و رفتار ما **انقلاب** (طوره جدی نبره روزی داشته باشیم)

✓ قدردان زحمات علماء و مجاهدت های شهدای بسیاری در طول تاریخ باشیم و به جای خودخواهی، تسلی، بی نظیر...

✓ قدردان نظام و انقلاب اسلام باشیم، از فرصت پیش آمده جهت هر چه بهتر زمینه سازی ظهور بجهت بردار نماییم.

توصیه جماعته، تضعیف جنایته، تکمیل رسالته **بقره ۲۴۶-۲۴۹**

که قطعا خلاها، ضعفها و نقائص وجود دارد، اگر گرای خوش و نامحسوس اهم می باشد نبوده اند اما تضعیف نظام و انقلاب جنایته / آنچه رسالت منور شماست تکمیل این زمینه سازی است تا او بیاید...  
✓ در پیش (تمیز، مرتب و معطر) باشیم و بر نماز اول وقت اصرار داشته باشیم  
✓ درباره مردم زود نصیحت نموده و در هر زمینه ای با اسباب دلسوزانه رفتار نماییم **سوره ۲۷**